

یزدانی انصاف داد!

کادرفنی تیم ملی کشتی آزاد و مدیر تیم ملی کشتی در روزهای اخیر به شدت تاکید داشتند که نیاز است مدعی وزن ۹۷ کیلوگرم تیم ملی آزاد، پیش از حضور در جهانی در یک تورنمنت بین‌المللی دیگر محک بخورد. بر این اساس نام رضا یزدانی ابتدا در بین نفرات اعزامی به جام زیلکوفسکی و پس از لغو این تورنمنت، در لیست مسافران جام جایزه بزرگ گرجستان قرار گرفت اما از همان وقت زمزمه‌هایی مبنی بر عدم حضورش در این تورنمنت شنیده می‌شد. این آخرین میدانی است که کادرفنی دو تیم آزاد و فرنگی می‌توانند نفراتشان را پیش از جهانی در آن محک بزنند و با توجه به اینکه یزدانی رسماً نام‌های به فدراسیون اعلام کرده نمی‌تواند در این جام روی تشک برود، باید دید کادرفنی تیم ملی چه تصمیمی در مورد او خواهد گرفت. گفته می‌شود او در نامه خود به فدراسیون، دلیل این تصمیم را آسیب دیدگی از ناحیه گوش و تجمع آب درون گوش اعلام کرده. قطعا در مورد آسیب دیدگی او کمیسیون پزشکی تشکیل جلسه خواهد داد. یزدانی در حالی قید این تورنمنت رازده که چندی پیش توانست با اقتدار قهرمان مرحله نهایی رقابت‌های انتخابی برای مسابقات جهانی شود. حال باید منتظر تصمیم درباره او بود. آیا او مسابقات جهانی را از دست می‌دهد؟



مشکل مالیات در سال المپیک

اردیبهشت امسال بود که در جلسه وزیر ورزش با روسای فدراسیون‌ها ژاله فرامرزیان معاون توسعه منابع انسانی و مالی وزارت ورزش و خصوص بدهی مالیاتی فدراسیون‌های ورزشی صحبت‌هایی را مطرح کرد. با توجه به اینکه فدراسیون‌ها سال‌ها اظهار نامه مالیاتی پر نکرده‌اند، درآمدهای آنها حتی کمک‌های وزارت ورزش به این فدراسیون‌ها شامل مالیات شده است. معاونان وزارت ورزش با سازمان امور مالیاتی چندین جلسه را برگزار کردند اما هنوز به نظر می‌رسد راه‌کاری برای حل مشکل فدراسیون‌ها پیدا نشده است. علاوه بر این در سال المپیک خبرهایی مبنی بر مسدود شدن حساب‌های برخی فدراسیون‌ها مثل تکواندو به گوش می‌رسد. بعد از بدهی ۹ میلیاردی فدراسیون تیراندازی به سازمان امور مالیاتی، فدراسیون اسکواش هم به دلیل پر نکردن اظهار نامه مالیاتی ۷۵۰ میلیون تومان بدهی دارد. البته رییس فدراسیون اسکواش قرار است به صورت قسطی این بدهی را پرداخت کند. همچنین سازمان امور مالیاتی از سال ۹۱ تا ۹۵ حدود ۵،۳۵ میلیارد مالیات برای فدراسیون تنیس تعیین کرده است. بدهی مالیاتی فدراسیون‌های ورزشی را با چالش جدی روبه‌رو کرده است به طوری که برخی از روسای فدراسیون‌ها به همین دلیل ممنوع الخروج و ممنوع‌المعامله شده‌اند. گفته‌ها دروزنی مسئولان وزارت ورزش با وزارت اقتصاد و امور دارایی نیز جلساتی را برگزار کرده‌اند و آنها خواسته‌اند به اداره مالیات اعلام کنند تا محدودیت‌های قانونی برای روسای فدراسیون‌های ورزشی بر طرف شود.



سیاه شدن حدادی در تمرین

وزیر ورزش و هم‌راهانش پس از بازدید از تمرینات تیم ملی کاراته، سسری هم به احسان حدادی زدند که تمرینات بدنسازی خود را در آکادمی المپیک پیگیری می‌کرد. حدادی در این دیدار ضمن خوشامدگویی و تشکر از وزیر ورزش گفت: «قول می‌دهم در مسابقات جهانی بهترین نتیجه را بگیرم و سپس در ۲۵ سالگی برای مدال المپیک تلاش کنم.» سلطان‌فر خطاب به او گفت: «با این انگیزه‌های که از شما می‌بینم، مطمئنم بهترین نتیجه را در المپیک می‌گیرید. مدالت که قطعی است و این امیداریم که حتی به مدال طلا برسید.» وی سپس به شوخی خطاب به حدادی گفت: «دوربین‌ها و خبرنگاران هم اینجا حضور دارند و صحبت‌های تو را ثبت می‌کنند.» حدادی نیز به شوخی گفت: «آقای دکتر سخت تمرین می‌کنم، اگر می‌بینید سیاه‌شده‌ام بخاطر سولایوم نیست بلکه به خاطر تمرین زیر آفتاب است!»



مدارک خادم گم شد!

در اتفاقی کم‌سابقه و عجیب، تمامی مدارک، کتاب‌های تالیفی، مقالات و احکام نامزد انتخابات فدراسیون کشتی در وزارت ورزش گم شد. این وسایل که در هفت، هشت کارتن جمع‌آوری شده بود، قرار بود بعد از انتخابات فدراسیون کشتی، خادم آنها را با خود به محل کار جدیدش ببرد اما این وسایل گم شده پیگیری‌های برای دستیابی به آنها همچنان بی‌نتیجه مانده و مشخص نیست چه بلایی سر آنها آمده است!

سر نوشت شوم شماره‌های خاص سرخابی‌ها

شماره‌های بی‌گناه!

شماره‌های پیراهن در باشگاه‌های اروپایی، هویت خاص خودشان را بیدک می‌کشند. یک باشگاه به جز در موارد بسیار خاص، شماره مهمی را به یک جوان بازیکن تازه‌وارد دو یا یک فوتبالیست بر اشتباه نمی‌سپارند. در فوتبال ایران اما ظاهر هر چقدر بازیکن‌ها پر حاشیه تر، در دسر ساز تر و خودسر تر عمل کنند، شانس بیشتری برای پوشیدن شماره‌های مهم دارند. همین حال نگاهی کوتاه به صاحبان شماره مهم ۱۰ در استقلال و پرسپولیس، نشان می‌دهد که این دو باشگاه چقدر در حفظ اهمیت و سنگینی شماره‌های شان قصور به خرج داده‌اند.



ارباب‌زاری

بلافاصله او را با یک قرارداد سنگین به خدمت گرفتند و «پاداش بی‌وفایی» را به فرهاد تقدیم کردند. این قرارداد، تنها پاداش برای احمدزاده نبود. او که در بازگشت به جمع قرمزها شماره ۷۷ را بر تن می‌کرد، حالا قرار است فصل را با پیراهن قبلی خودش، یعنی پیراهن شماره ۱۰ شروع کند. این پیراهن در اولین مقطع حضور فرهاد در پرسپولیس هم تناسبی با این فوتبالیست نداشت و حالا این بی‌ربطی، با هواداران پرسپولیس نداشت اما در بازگشت به فوتبال ایران، مدیران باشگاه

اتفاق روز

دوب آهن: شکست خورده اما میدوار

کام‌بک بعدی لطفا!

شروع دوب آهن در دیدار حساس و سخت با الاتحاد با زعبیل امارات، فراتر از حد انتظار بود. مهم‌ترین تغییر ترکیب اصلی این تیم نسبت به دیدارهای قبلی در لیگ قهرمانان آسیا، روی خط دروازه رقم خورد. حالا که رشید مظاهری دیگر در عضویت این باشگاه قرار ندارد، محمدباقر صادقی که در این سال‌ها «نفر دوم» دروازه‌دوب بوده، در دیدارهای حساس روی خط دروازه دیده می‌شود. دوب در حالی مسابقه

سوژه روز

پرونده مالکوم: رسوایی بزرگ برای هواداران باشگاه زنبیت

چهره سیاه فوتبال روسیه!

آر‌یارهنورد

خرید یک بازیکن از بارسلونا که اتفاقاً فصل گذشته توانسته در ال کلاسیکو نیز یک گل به ثمر برساند، می‌توانست یک موفقیت تاریخی و فراموش‌نشدنی برای باشگاه زنبیت روسیه باشد اما تنها چند روز بعد از جذب ۴۰ میلیون پوندی مالکوم از بارسا، خبر حیرت‌انگیزی در مورد این ستاره منتشر شده است. ظاهراً مدیران باشگاه زنبیت، گزینه فروش مالکوم در زمستان را رد دستور کار دارند. چرا که هواداران این باشگاه استقبال خوبی از خرید جدیدشان به عمل نیابورده‌اند و خواهان فروش سریع مرد برزیلی هستند. مالکوم و جنجال، ظاهراً قرار است در همه تابستان‌ها با هم بر خورد کنند. او فصل گذشته در آخرین لحظه‌های قبل از سفر به رم، قید پیوستن به باشگاه ایتالیایی را زد و راهی بارسلون شد تا با تیم‌ارنستو والرده قرارداد امضا کند. مالکوم در این تابستان در فهرست فروش بلوگرانا قرار گرفت و با وجود پیشنهادهای



باز یکنسی بودند که تیم‌رادر شرایط دشوار محرومیت نقل و انتقالی ترک کرده است. در پرسپولیس اما برای این بازیکن فرش قرمز پهن کرده‌اند و دوباره پیراهنی را که در گذشته در اختیار برخی از بزرگ‌ترین اسطوره‌های باشگاه بوده است را به فرهاد سپردند. احمدزاده تنها در بی‌وفایی و قدرشناسی یک «شماره ۱۰ واقعی» است و در هیچ زمینه دیگری شایستگی او در ساعتهای نامتعارف و در وضعیتی پوشیدن این پیراهن را ندارد. اوضاع در استقلال هم درست به همین اندازه تلخ و گزنده به نظر می‌رسد. آبی‌ها در آغاز

فصل تازه، پیراهن شماره ۱۰ را به مهدی قائد سپردند. بازیکنی که در دو فصل گذشته به جز حاشیه و بحران، خروجی دیگری در استقلال نداشته است. مهدی قبل از به ثمر رساندن اولین گل و یا رساندن اولین پاس گل به هم‌تیمی‌ها در لباس استقلال، با یک تصادف وحشتناک در نیمه‌های شب، در دسر بزرگی برای خودش و استقلال ساخت. او در ساعتهای نامتعارف و در وضعیتی پوشیدن این پیراهن را ندارد. اوضاع در استقلال هم درست به همین اندازه تلخ و گزنده به نظر می‌رسد. آبی‌ها در آغاز

مهدی فصل گذشته کمی پیشرفت کرد اما نه در حد اندازه‌های که به مرد شماره ۱۰ باشگاه تبدیل شود. او تا امروز تنها در حاشیه‌سازی قدرتمند نشان داده و در هیچ زمینه دیگری، لایق پوشیدن چنین شماره‌ای نیست. او نسبت به زمان امضای قرارداد با استقلال، چقدر پیشرفت کرده که شایستگی لازم را برای شماره ۱۰ بودن داشته باشد؟ او در این دو سال، چه حرکت مثبت و موثری در استقلال انجام داده که سزاوار چنین ترفیعی باشد؟

مهدی و فرشاد، تنها مثال‌های ساده‌ای از فقدان «شایسته‌سالاری» در فوتبال ایران هستند و پیراهن شماره ۱۰ استقلال و پرسپولیس، بهانه‌ای است تا به یاد بیوریم اینجا ویژگی‌های فنی در کنار اخلاق، از اهمیت زیادی برای قدر دیدن یک ستاره در یک باشگاه برخوردار نیستند. باشگاه‌های وطنی دائماً چشم‌های‌شان را با روی کج رفتاری فوتبالیست‌ها می‌بندند اما کاش بزرگ‌ترین مشکل، تنها همین بود. آنها نه تنها مشکلات اخلاقی و فنی را نادیده می‌گیرند، بلکه متوسط‌ترین بازیکن‌ها را در بالاترین جایگاه‌ها قرار می‌دهند. در پرسپولیس و استقلال، مهره‌های شایسته زیادی برای پوشیدن پیراهن شماره ۱۰ وجود دارند. مهره‌هایی که برای رسیدن به شرایط امروز، به اندازه کافی عرق ریخته‌اند و زیر فشار راه «فرار» را انتخاب نکرده‌اند. با این حال ظاهراً هر دو باشگاه اصرار دارند که مسابقه‌عجیبی در رساندن شماره ۱۰ به معمولی‌ترین و خطاگرترین بازیکن‌ها دارند. فصل گذشته استقلال‌ها رارح... باقری را در حالی که از لیگ یک به این تیم منتقل شده بود، به شماره ۱۰ مژین کردند. شاید همین موضوع بود که در نهایت افت روح... را به همراه داشت. پرسپولیس نیز این شماره را به شریفی

احمدزاده تنها در بی‌وفایی و قدرشناسی یک «شماره ۱۰ واقعی» است و در هیچ زمینه دیگری، شایستگی پوشیدن این پیراهن را ندارد. اوضاع در استقلال هم درست به همین اندازه تلخ و گزنده به نظر می‌رسد. آبی‌ها در آغاز فصل تازه، پیراهن شماره ۱۰ را به مهدی قائد سپرده‌اند

تازه‌وارد سسپرد، بازیکنی که در دوران حضور در تیم برانکو، حتی نتوانست یک گل به ثمر برساند. پیش از فرشاد احمدزاده، شماره ۱۰ پرسپولیس در اختیار نفراتی مثل رضا نوروزی، غلامرضا رضایی و حتی میثم بانو بود که هیچ کدام دوران درخشانی در این باشگاه نداشتند. استقلالی‌ها نیز این شماره را ز شمن‌درابه‌نفراتی مثل سجاد شهباززاده و سیاوش اکبرپور تقدیم کرده بودند. شاید اگر سرخابی‌ها نیز به سبک باشگاه‌های اروپایی آماری رسمی در مورد فروش پیراهن داشتند، در این سال‌ها پیراهن شماره ۱۰ این دو تیم با کم‌ترین میزان استقبال از سوی هواداران دو باشگاه روبه‌رو می‌شد. اعتباری که یک باشگاه به دست می‌آورد، تا حدود زیادی ناشی از رفتار خود این باشگاه در شرایط خاص است. باشگاهی که شماره مهمش را به همین سادگی به حراج می‌گذارد، در درجه اول اعتبار خودش را به بازی می‌گیرد. یک بازیکن برای رسیدن به چنین شماره‌ای، باید چندین سال تلاش کند اما وقتی سرخابی‌ها پیراهن شماره ۱۰ را بدون زحمت در اختیار مهره‌های‌شان می‌گذارند، انگیزه تلاش این بازیکن‌ها را نیز از بین می‌برند.

خارجی باشگاه الاتحاد برای این جدال بودند. تنها هفت دقیقه بعد از شروع مسابقه، هافبک تمام‌نشدنی ذوبی‌ها خوش درخشید و با یک ضربه ایستگاهی مهارنشدنی توپ را از خط دروازه رقیب عبور داد. قاسم حدادی فر اولین موقعیت نصفه و نیمه تیمش برای رسیدن به گل را به بهترین شکل مورد استفاده قرار داد و به کمک پای چپ جادویی‌اش، خیلی زود تیم علمینصور را پیش انداخت. این برتری اما تنها به اندازه سه دقیقه دوام آورد. روی اشتباه و آشفتگی خط دفاعی تیم اصفهانی، توپ دو بار به تیر دروازه ذوب آهن برخورد کرد و در نهایت این لوئیز خیمنز بود که با سادگی توانست دروازه ذوب را باز کند. سبزه‌ها در دقیقه هفت به گل اول رسیدند اما بازی در دقیقه ۱۰ به تساوی کشیده شد. در ادامه نیمه

اول، الاتحاد تسلط بیشتری روی جریان بازی داشت و چند موقعیت خطرناک دیگر نیز خلق کرد اما بازی در این نیمه با تساوی یک-یک به پایان رسید. در شرایطی که نیمه دوم تا حدودی سرد و کسل‌کننده دنبال می‌شد، زیاد المولد با ضربه سر گل دوم الاتحاد را به ثمر رساند تا این باشگاه به اولین پیروزی تاریخش برابر ذوب دست پیدا کند. شکست دوبار یک در زمین حریف، نتیجه نسبتاً خوبی برای ذوب به شمار می‌رود. البته در شرایط بازی در کشور سوم شاید موضوعی به نام زمین حریف دیگر اهمیت همیشگی‌اش را نداشته باشد اما همین حالا ذوبی‌ها در صورت شکست دادن الاتحاد در دو حه با نتیجه یک بر صفر، راهی مرحله یک‌چهارم نهایی تورنمنت خواهند شد.

پنهان کردن نژادپرستی‌شان را دارند اما در عمل، رفتار آنها و تفاوت گذاشتن‌شان میان صاحبان رنگ پوست‌های مختلف، درست خود نژادپرستی است. هواداران زنبیت اصرار دارند که تیم‌شان باید به سراغ بازیکنانی برود که به لحاظ روحی به زنبیت متصل باشند. مالکوم یکی از گرانبهاترین خریدهای تاریخ فوتبال روسیه محسوب می‌شود اما حالا دیگر هیچانی در باشگاه در مورد این بازیکن وجود ندارد. او اولین بازیکنی نیست که در فوتبال روسیه، قربانی چنین مسائل تلخ و تاسفباری می‌شود. ساموئل آتوئو چندین سال قبل با یک دستمزد نجومی به باشگاه آژدی ماخاچکالا پیوست اما در استادیوم‌های مختلف روسیه، همواره بسا توهمین‌های نژادپرستانه روبه‌رو شد. روبرتو کارلوس نیز در زمان کار کردن در فوتبال روسیه، بارها با پر تاب موز مورد استقبال هواداران تیم‌های مختلف قرار گرفت. شاید این یکی از دلایل مهمی کندی پیشرفت باشگاه‌های روسی باشد. آنها حتی اگر پول زیادی در اختیار داشته باشند، نمی‌توانند خودشان را به صورت تمام و کمال با فوتبال روز اروپا هماهنگ کنند. به نظر می‌رسد در این کشور، عزمی جدی برای برخورد با پدیده شوم و تلخ نژادپرستی وجود ندارد. این موضوع در ویتربی مثل فوتبال بیشتر از هر جای دیگری



تردید این ماجرا، یک ضرر بزرگ برای مدافع عنوان قهرمانی لیگ برتر روسیه خواهد بود. چرا که حالا باشگاه‌های دیگر با دانستن آن چه در روسیه برای ستاره برزیلی اتفاق افتاده، رقم پیشنهادی‌شان برای او را به حداقل خواهند رساند. به نظر می‌رسد ماجرای مالکوم، نوع پیچیده و مدرنی از «نژادپرستی» باشد. البته که هواداران باشگاه زیر بار این موضوع نمی‌روند و این برچسب را برای خودشان نمی‌پذیرند اما در حقیقت، تردیدی در نگاه نژادپرستانه آنها به فوتبال وجود ندارد. «ما نژادپرست نیستیم. نخریدن بازیکنان سیاه‌پوست تنها یک سنت قدیمی و مهم برای ما به شمار می‌رود و هیچ چیزی بیشتر از این نیست.» این جملات، بخشی از بیانیه جدید هواداران زنبیت در مورد مالکوم اولیوریا هستند. در واقع به نظر می‌رسد هواداران زنبیت قصد

نمایان می‌شود. باور کردنی نیست که طرفداران یک باشگاه اروپایی، به خاطر مساله‌ای مثل رنگ پوست، خواهان جدی ستاره سابق بارسلونا از تیم‌شان هستند. بازیکنی که حتی یک بار نیز با پیراهن زنبیت به میدان نرفته و این پتانسیل را دارد که این تیم را به موفقیت‌های بزرگی تانسفیر است که در سال ۲۰۱۹، جهان هنوز با «نابرابری نژادی» دست و پنجه نرم می‌کند. این موضوع تنها مختص فوتبال روسیه نیست و همین امسال در کشورهای مثل ایتالیا و حتی آلمان، نشانه‌هایی از آن در فوتبال ظاهر شده است. یوفا در چند مقطع، هواداران باشگاه‌های مختلف را به دلیل نژادپرستی با محرومیت‌هایی سنگین روبه‌رو کرده اما در حقیقت این موضوعی نیست که با محرومیت هواداران ریشه‌کن شود. ماجرای مالکوم، تنها یک تلنگر تازه است اما اتفاقاتی شبیه به این در گذشته رخ داده‌اند و باز هم رخ خواهند داد. حتی اگر زنبیت سن پترزبورگ در این فصل قهرمان لیگ قهرمانان اروپا هم نشود، نمی‌تواند لطمه‌ای را که از طریق ماجرای مالکوم به تصویر عمومی فوتبال روسیه زده جبران کند. تازمانی که رنگ پوست بازیکن‌ها ملاک و معیار قضاوت‌شان در زمین فوتبال باشد، حرف زدن از برابری در دنیا تنها یک شوخی بزرگ خواهد بود.